

انتقال آب بین حوضه‌ای، فرار روبه جلو

محمد بهنام رسولی | هنگامی که تقاضا برای آب از ظرفیت منابع آبی در یک منطقه پیشی می‌گیرد، اولین راه حل و به عبارتی آسان‌ترین راه حل، تأمین و حصول منبع آب جدید و پاسخگویی به تقاضای جدید است. این امر در کشورهایی که عمدتاً رویکرد مدیریت عرضه را بر مدیریت تقاضا مقدم می‌گیرند، مشهودتر و بارزتر است. پتانسیل و ظرفیت منابع آبی هر منطقه، میزانی مشخص و محدود است و اگر طمع ساکنان جدید برای توسعه و منابع جدید نباشد همچون گذشته نه چندان دور، ساکنان یک منطقه، فعالیت‌های خود را با منابع منطبق کرده و به عبارتی نوعی سازگاری اتفاق می‌افتاد. این در حالیست که امروزه با توسعه نامتوازن سکونت‌گاه‌ها و بهم خوردن تعادل و توازن منابع و مصارف در آن، روند شناسایی و برداشت از منابع با توسعه شهرنشینی به نحو اغراق آمیزی همسو گردیده تا جایی که دیگر منبعی برای بهره‌برداری بیشتر باقی نمی‌ماند.

در این حال دوراه حل پیش رو خواهد بود: ۱- استقرار مدیریت تقاضا و استفاده بهینه و پایدار از منابع آبی و هماهنگ کردن توسعه با پتانسیل‌ها و منابع

۲- ادامه دادن روند گذشته و حل کوتاه مدت معضل با دست درازی به منابع طبیعی مناطق دیگر و انتقال آن به محل تقاضا (حتی از هزاران کیلومتر دورتر و کشوری غیرهمسایه) با نگاهی به تجارب گذشته بشری و نمونه‌های متعدد انتقال آب از حوضه‌ای به حوضه دیگر تمایل اولیه برای عدم توقف لوکوموتیو توسعه و مصرف‌گرایی مشهود است اما آنچه موجب تغییر پارادایم مدیریت منابع آب در سال‌های اخیر در کشورهای بیشتر توسعه‌یافته گردیده، فرارسیدن موعد نتایج نامبارک و سهمگین سیاست‌های گذشته و مشهود شدن نواقص و پیامدهای جبران ناپذیر آن است.

از مهمترین ویژگی‌های پارادایم جدید نگرش یکپارچه بجای نگرش بخشی و نگاه نرم‌افزاری و مدیریت عرضه و تقاضا بجای نگاه سخت‌افزاری است. پارادایم قدیمی با ویژگی تک تخصصی، مدیریت فن محور و سلسله مراتبی، تصمیم‌گیری متمرکز و سیاسی، برنامه‌ریزی نقطه‌ای، تأمین کننده و

دریافت کننده، منبع آب یک سیستم طبیعی مستقل است و در مقابل پارادایم جدید دارای ویژگی چندتخصصی، فرآیند و ساز و کار ارزشی، تصمیم‌گیری از پایین به بالا، مدیریت حوضه آبریز، تأمین کننده خدمات و کارفرما، منابع یکپارچه و تعامل کلیه اجزاء طبعاً متناسب با این تغییر پارادایم، تصمیم‌گیران و سیاستگذاران متحول شده و متشکل از تخصص‌ها و رویکردهای متعدد و یکپارچه گردیده‌اند. در پارادایم جدید دیگر منابع طبیعی تنها عرصه تاخت و تاز مهندسان و بولدزرها نیست چرا که طبیعی است کسی که چکش بدست دارد تمایل دارد همه چیز را به شکل میخ ببیند!

سیر تحول مشارکت در طرح‌های توسعه منابع آب
تیم طراحی ابتدا تنها شامل مهندسان بود اما به مرور اقتصاددانان، طرفداران محیط زیست و جامعه‌شناسان، افراد تحت تأثیر، سازمانهای غیردولتی و پذیرش مردمی وارد موضوع آب شدند و امروزه در جهان مدیریت آب دیگر تک بعدی نیست.

پارادایم قدیم در ایران
با پذیرش رویکرد و پارادایم قدیم مدیریت منابع آب در ایران، اشتیاق و تمایل حاکمیت برای انتقال آب بین حوضه‌ای در مناطق مختلف کشور قابل درک خواهد بود. جایی که آب اصفهان برای یزد و آب چهارمحال برای اصفهان انتقال می‌یابد و در نهایت اعتراضات و نارضایتی‌های مردمی شکل اغتشاش و ناآرامی بخود می‌گیرد.

با این حال حتی برای انتقال آب بین حوضه‌ای هم در صورت موجه نمودن، استانداردها و ضوابطی وجود دارد که صرف نظر از آن‌ها نه تنها مشکلی را برای مقصد انتقال بین حوضه‌ای (منطقه‌ای که آب به آن انتقال می‌یابد) و البته مبدأ (محلی که آب از آن انتقال می‌یابد) حل نخواهد کرد بلکه مشکل با پیچیدگی‌های دو چندان و بغرنج‌تری ادامه خواهد یافت. معیارها و ضوابط بین المللی به شرح زیر می‌باشند.

اثر گذاری بر بهره‌وری اقتصادی

معیار ۱: ناحیه مقصد بایستی، پس از توجه به منابع جایگزین تأمین آب و تمامی اقدامات منطقی برای کاهش تقاضای آب، در تأمین نیازهای فعلی و پیش‌بینی شده، کمبود جدی داشته باشد.

معیار ۲: توسعه آبی حوضه مبدأ بایستی به سبب کمبود آب، با محدودیت چشمگیر روبرو شود؛ با این حال، اگر حوضه مقصد، زیان‌های بهره‌وری حوضه مبدأ را جبران کند، در نظر گرفتن طرح انتقالی که توسعه آبی حوضه مبدأ را محدود می‌کند، ممکن است مناسب باشد.

تأثیر بر کیفیت محیط زیست

معیار ۳: ارزیابی جامع پیامدهای زیست‌محیطی بایستی نشان دهد که سطح معقولی از قطعیت وجود دارد که طرح انتقال، به شکل اساسی کیفیت زیست‌محیطی را در حوضه مبدأ یا مقصد تخریب نمی‌کند. با این حال، چنانچه هزینه‌های جبران خسارت زیست‌محیطی فراهم شود، طرح انتقال ممکن است توجیه‌پذیر باشد.

پیامدهای اجتماعی- فرهنگی

معیار ۴: ارزیابی جامع پیامدهای اجتماعی- فرهنگی بایستی نشان دهد که سطح معقولی از قطعیت وجود دارد که طرح انتقال، سبب بروز اختلال اساسی اجتماعی- فرهنگی در حوضه مبدأ یا مقصد نخواهد شد. با این حال طرح انتقال، چنانچه پرداخت غرامت برای جبران زیان‌های اجتماعی- فرهنگی فراهم شود، ممکن است توجیه‌پذیر باشد.

توزیع منافع

معیار ۵: منافع خالص ناشی از طرح بایستی عادلانه میان حوضه‌های مبدأ و مقصد تقسیم شود. حال با توجه به این معیارها، ارزیابی چند پروژه از کلان‌ترین طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای در دنیا و آثار و پیامدهای مختلف کار دشواری نیست. طرح‌هایی که زمان کافی از اجرای آن‌ها سپری شده‌است تا بدون هیچگونه یکجانبه‌گرایی قابلیت ارزیابی داشته و آثار آن حتی از کیلومترها بالاتر از زمین با تصاویر ماهواره‌ای قابل رویت است.

